

بررسی عوامل مؤثر بر تقسیم کار در خانواده

مطالعه موردی: زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر مشهد

مهديه رضوانی*

کارشناس ارشد مطالعات جوانان، پژوهشگر و مدرس دانشگاه پیام نور مشهد

هما زنجانی زاده

دانشیار دانشگاه فردوسی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر تقسیم کار در خانواده بود. چارچوب نظری مقاله حاضر با استفاده از نظریه سرمایه اجتماعی تدوین شد. جامعه آماری ۴۰۰ نفر از زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر مشهد بودند. برای جمع آوری اطلاعات از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه استفاده شد. اطلاعات مورد نیاز با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای به دست آمده است، نتایج نشان داد که به ترتیب، متغیرهای ساخت قدرت، تعداد فرزندان، درآمد پاسخگو و سرمایه اجتماعی به طور کلی ۲۱/۵٪ تقسیم کار خانگی را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی

کار خانگی؛ خانواده؛ زنان متأهل؛ شاغل در آموزش و پرورش مشهد؛ سرمایه اجتماعی

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۱/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۹

مقدمه و بیان مسأله

امروزه شاهد روند روبه رشد افزایش سطح تحصیلات و آگاهی زنان هستیم و این مسأله آن‌ها را برای ورود به بازار کار و کسب جایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی ترغیب می‌کند؛ در ادامه این موضوع، یکی از مسائل مناقشه‌آمیز و بحث برانگیز برای زنان متأهل شاغل، مسأله تقسیم کار در خانه است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، خانه‌داری از نمودهای تقسیم کار جنسیتی (تقسیم کار بر اساس جنسیت) است. در تقسیم کار جنسیتی از زنان و مردان انتظار می‌رود فقط دسته خاصی از کارها را انجام دهند که از قبل تعیین شده و به اختیار خود شخص نیست. در این تقسیم‌بندی، زنان مسئول کارهای خانه و خانه‌داری، و بزرگ کردن بچه‌ها شمرده می‌شوند که کار بدون درآمد است. در نتیجه از نظر مالی وابسته به مردان می‌شوند و دسترسی به پولی که از آن خود بدانند نخواهند داشت (آبوت و والاس، ۱۳۸۴). آنتونی گیدنز کار خانگی را «کار بی‌مزدی که بدون پرداخت مستقیم و خارج از حوزه یک شغل خاص انجام می‌گیرد» تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۲). محول کردن عمده کارهای خانگی به زنان، ریشه در ایدئولوژی «فضاهای جداگانه» دارد که در آن فضاهایی کاملاً متمایز و همپوشی‌ناپذیر برای فعالیت زن و مرد تعریف می‌شود. این تمایز در کنار ثنویت زن/مرد مفهوم می‌یابد و در اروپا و در زمانی آغاز شد که تولید مادی تفکیک محل انجام کار تولیدی، مثلاً کارخانه از محل انجام کار بازتولیدی، یعنی خانه را باعث شد، و به سرعت رواج یافت. این تفکیک فضاهای تولیدی و بازتولیدی از یکدیگر، همچنین منشأ اصلی الگوی «مرد نان آور» به حساب می‌آید. زنان از این زمان و تحت برچسب «فروستی ذاتی یا طبیعی» از فعالیت در بازار کار منع شده و به کسب مهارت‌هایی تشویق شدند که برای کار در فضای خصوصی و انجام تمام و کمال نقش «مادری و همسری» برایشان مفید باشد. شایان ذکر است که زنان شاغل به دلیل حضور در صحنه کار و خانه و متحمل بودن دو نقش، تنش بیش‌ترس را تحمل می‌کنند (توکلی و علیپور، ۱۳۹۱).

سلامتی زنان شاغل از مردان شاغل در سطح پایین‌تری برآورد شده است و با نشانه‌های روان‌تنی، سردرد، خستگی همراه است، چراکه در مجموع زنان بیش‌تر از مردان از محیط اثر می‌پذیرند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰).

به گفته کانل، روابط جنسیتی محصول کنش‌های متقابل و فعالیت‌های روزمره است. آر.



دبلیو. کانل دیر یکی از کامل‌ترین تعبیرها و نظریه‌های جنسیت و کار را مطرح می‌کند. کنش‌ها و رفتارهای مردم عادی در زندگی‌های شخصی آن‌ها، به طور مستقیم به آرایش‌های اجتماعی جمعی در جامعه مربوط می‌شود. این آرایش‌ها در طول مدت عمر و در نسل‌های متمادی به زور پیوسته بازتولید می‌شوند، اما دستخوش تغییر نیز می‌شوند. کانل سه جنبه از جامعه را معرفی می‌کند که در تعامل با یکدیگر، الگوی روابط قدرت بین مردانگی و زنانگی را شکل می‌دهد که در سراسر جامعه رواج دارند. طبق نظر کانل، کار، قدرت و تعلق روانی بخش‌های جداگانه، اما مرتبط جامعه هستند که همراه با هم عمل کرده، در نسبت با یکدیگر تغییر می‌کنند. این سه قلمرو جایگاه‌های اصلی تشکیل و تحمیل روابط جنسیتی هستند. مقصود از کار تقسیم جنسی، کار هم در خانه (مانند وظایف خانه‌داری و بچه‌داری) و هم در بازار کار است (کانل^۱ ۱۹۸۷ و ۱۹۹۵؛ به نقل از گیدنز، ۱۳۸۷)

مطالعه تقسیم‌کار خانگی به مباحثی همچون قدرت^۲ در خانواده و نابرابری جنسیتی^۳ دامن می‌زند. در عصر جهانی شدن برخی مفاهیم فرهنگی از جمله حقوق زنان به مفاهیمی عام و جهان شمول مبدل شده‌اند. این گفتمان‌ها در سطح خرد به شکل تساوی‌گرایی میان زن و مرد و تلاش در جهت رفع نابرابری جنسیتی درمی‌آید (ماسون و اسمیت^۴، ۲۰۰۳؛ دایفنباچ^۵، ۲۰۰۲). شواهد مختلفی نشان‌دهنده آن است که داشتن منابعی چون تحصیلات، اشتغال یا درآمد زنان در خارج از خانه می‌تواند اثر مثبتی در تقسیم کار خانگی و تغییر جایگاه زنان به همراه داشته باشد (کلتان^۶، ۲۰۰۰). در ایران با توجه به جوان بودن جمعیت کشور و ورود زنان به عرصه اشتغال، نیروی کار زنان روبه افزایش است (کریمی و جهان‌تیغ، ۱۳۹۳). در واقع تحولات اخیر و تلفیق جامعه سنتی و جدید، در کشور، باعث تغییر وضعیت حقوقی، اقتصادی و اجتماعی زنان شده و مسائل تازه‌ای را در خانواده‌ها ایجاد کرده است. چرا که، زنان دیگر به تعریف‌ها و الگوهایی که در گذشته از نقش‌های زنانگی وجود داشت بسنده نمی‌کنند و نقش‌های جدیدی

1. Connell
2. Power
3. Gender Inequality
4. Mason & smith
5. Diefenbach
6. Coltane

را برای خود انتظار دارند. افزایش سطح تحصیلات و نرخ اشتغال زنان نسبت به گذشته گواهی بر نیاز و ضرورتی جدی در تغییر الگوی تقسیم کار خانگی مبنی بر افزایش مشارکت مردان است. در واقع نیاز به باز تعریف تقسیم کار خانگی در جامعه ایران احساس می‌شود. به عبارتی آگاهی زنان نسبت به تحولات در سطح جهان و موقعیت سایر زنان در جوامع دیگر بر آگاهی و موقعیت آن‌ها در خانواده و جامعه و همچنین انتظارات آن‌ها اثر داشته است (رویانین^۱، ۲۰۰۳؛ بنریا^۲، ۲۰۰۱). که همین مسأله باعث شده است که زنان بیش‌تر از گذشته به دنبال کسب جایگاه‌های برتر و سرمایه‌های اجتماعی بیش‌تر باشند. به‌رغم این واقعیت که مردان و زنان گروه‌های مختلف برای به‌دست آوردن و توسعه سرمایه اجتماعی خود راه‌های متفاوتی در پیش رو دارند، اما این واقعیت وجود دارد که به مسائل جنسیتی در تحقیقات سرمایه اجتماعی کم‌تر توجه شده است (بیزانسان^۳، ۲۰۰۶).

شایان ذکر است که با توجه به حجم نسبتاً بالای زنان شاغل در آموزش و پرورش و بحث برانگیز بودن موضوع تقسیم کار خانگی و از سویی دیگر توجه نکردن به این موضوع و فقدان تحقیق‌های کافی در این زمینه، برای جبران این خلأ، ضرورت و اهمیت این پژوهش برای محقق، دوچندان شد.

بررسی اطلاعات مرکز آمار در ایران، در سال‌های مختلف روند روبه رشد فعالیت زنان در بیرون از خانه را نشان می‌دهد. بر طبق سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵) تعداد کارکنان زن استخدام کشوری در سال ۱۳۸۵، ۷۵۷۵۱۶ نفر گزارش شده است که از این تعداد ۵۷/۷٪ زنان تابع استخدام کشوری در آموزش و پرورش مشغول به کار هستند (مرکز اطلاعات و آمار شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۷) به عبارتی بخش مهم جریان برنامه‌درسی آموزش و پرورش ایران زنان هستند و از عناصر اصلی و کلیدی محسوب می‌شوند. لذا با توجه به حجم بالایی از اشتغال زنان در آموزش و پرورش، تصمیم گرفته شد تا الگوی تقسیم کار خانگی را در میان زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر مشهد سنجیده شود، از سویی دیگر به علت همکاری مداوم و ارتباط مستمر محقق با پژوهشکده تعلیم و تربیت آموزش و پرورش در شهر مشهد و امکان دسترسی به اطلاعات و آمار و اخذ مجوز، زنان متأهل شاغل در

-
1. Royanian
 2. Beneria
 3. Bezanson.



آموزش و پرورش گروه هدف قرار گرفتند.

دیدگاه اسلام نسبت به اشتغال زنان: قرآن کریم ارزش انسانی زن و مرد را برابر می‌شمارد (شاهدی و فرجودی، ۱۳۸۹) همچنان‌که پیامبران را الگوی مردم معرفی می‌نماید و می‌گوید: «لکم فی رسول الله اسوة حسنة» زنان سرشناسی همچون «آسیه» همسر فرعون و «مریم» مادر عیسی و اصولاً زنان مؤمنه و پرهیزگار را الگوی همه مردم معرفی می‌کند (مجموعه مقالات کنفرانس، ۱۳۷۵). زن مسلمان می‌تواند همراه با توسعه تکنولوژی و با الگوبرداری از زنان بزرگی همچون خدیجه (سلام الله علیها)، فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، زینب (سلام الله علیها)، سمیه و... به جایگاه اجتماعی خود در این زمان دست یابد، مشروط به اینکه:

۱. ملاک ارتقاء اجتماعی را بهره‌مندی از اخلاق الهی، اندیشمند بودن و استقلال فکری بدانند نه در بهره‌مندی صرف از مادیات و داشتن حسن ظاهر و وابستگی‌های نامعقول دنیوی.

۲. در اخلاق فردی نیز ارزش‌های الهی همچون ایثار، فداکاری، محبت به هم‌نوع و حفظ حدود الهی همچون عفاف و پاکدامنی را در خود پرورش دهد به گونه‌ای که این خصلت‌ها ملکه او شود و در هر شرایطی آنها را به کار گیرد (همان، ۱۳۷۵: ۱۴).

آسیه همسر فرعون یکی از چهره‌های معروف تاریخ است که در آلوده‌ترین دوران تاریخی سرزمین مصر ظهور خویش را به بهترین وجهی نشان داد. حضرت موسی (علیه السلام) در سایه حمایت‌های این بانوی بزرگوار توانست مراحل حساس نهضت خویش را طی کند و برای پذیرش رسالت پیامبری آماده شود. تاریخ صدر اسلام آکنده از نقش فعال سیاسی زنان است، زنانی که اسوه آنها حضرت فاطمه (سلام الله علیها) است. تولد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از نقاط درخشان و از معجزات خداوندی بود و جلوه‌گر اهدافی است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسالت آن را بر دوش داشت. فاطمه (سلام الله علیها) در تاریخ اسلام چهره برجسته و شخصیت ارجمندی دارد، البته نه تنها به خاطر اینکه دختر پیامبر، یا همسر علی (علیه السلام) است و نه تنها به خاطر اینکه مادر ائمه اطهار است، بلکه از این نظر که او در جایگاه یک زن - آن هم در تاریک‌ترین دوران تاریخ - که زن نازل‌ترین نقش اجتماعی را داشت - رسالتی را به انجام رسانید و شوری در اجتماع زنان و جامعه بی‌فروغ آنها برانگیخت.

بانویی که خطبه‌های بلیغ او در حمایت از مقام ولایت در تاریخ، جاوید مانده و خطابه‌های پرارزش دخت او، زینب کبری (سلام الله علیها) نیز در دربار ابن زیاد و یزید اثر ماندگار دیگری در تاریخ اسلام شده است (همان، ۱۳۷۵: ۷۸).

تاریخ اسلام بیان‌کننده آن است که در زمان رسول خدا (ص) زنان زیادی به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی اقدام می‌کردند و نه تنها پیامبر (ص) آن‌ها را منع نمی‌کرد؛ بلکه در مواردی آن‌ها را نیز راهنمایی می‌کرد. حضرت خدیجه (س) که از زنان بزرگوار و برگزیده است، خود تاجری ثروتمند بود که تجارت می‌کرد و پیامبر (ص) نیز برای مدتی از جانب ایشان به تجارت مشغول بود.

در روایتی آمده است که رسول خدا (ص) به زنان جوان اجازه می‌داد تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی بساط بگسترانند.

حولاء، زنی عطر فروش بود که پیامبر (ص) او را موعظه می‌کرد و می‌فرمود: هرگاه عطر می‌فروشی، جنس سالم و با قیمت مناسب تحویل مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار؛ زیرا معامله سالم پاک‌تر است و سبب خیر و برکت می‌شود (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

همچنین در جنگ‌های پیامبر (ص) همیشه عده‌ای از زنان حاضر بودند که به آب‌رسانی و پرستاری از زخمی‌ها اقدام می‌کردند؛ مانند «للی غفاری» که بارها در میدان‌های نبرد حضور یافت و از بیماران و مجروحان جنگی پرستاری و آن‌ها را مداوا و معالجه کرد (محللاتی، ۱۳۸۳: ۵۹۵). «ام عطیه» و «ام سلمه» نیز در غزوات متعددی شرکت داشتند و از مجروحان پرستاری می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۶۹).

قرآن کریم: خداوند، در سوره قصص از دختران حضرت شعیب (ع) نام می‌برد که به کار چوپانی اشتغال داشته‌اند. آن‌ها به علت کهولت سن پدر، جایگزین او در کار نگهداری از گوسفندان شده بودند که برای سیراب کردن گوسفندان خود نیز همیشه تا پایان کار دیگر چوپانان صبر می‌کردند و سپس به گوسفندان خود آب می‌دادند «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصْدِرَ الرَّعَاءُ أَنهَا كُفَّتْنَا مَا أَنهَا رَأَىٰ أَبهَا نَمِي دَهِيْمًا تَأْچُوبَانَهَا هَمَكِي خَارَج شُونَد» (سوره قصص، آیه ۲۳). دختران حضرت شعیب (ع) به دلیل عفاف و تحجب خود تا پس از رفتن چوپانان مرد، از سیراب کردن گوسفندان خودداری می‌کردند تا اینکه حضرت موسی (ع) گوسفندان آن‌ها را سیراب کرد. آن دو این داستان را برای پدرشان بازگو کردند و حضرت شعیب (ع) تصمیم



گرفت برای جبران خدمت موسی(ع) او را به خانه‌اش دعوت کند؛ به همین منظور یکی از دختران خود را به نزد موسی(ع) فرستاد «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا» پس یکی از آن دو به سراغ او آمد، در حالی که در نهایت حیا گام بر می‌داشت «تَمْشَى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (سوره قصص، آیه ۲۳) خداوند، به خوبی کیفیت حضور زنان در اجتماع و برخورد با مردان بیگانه را تشریح کرده است؛ در آیه ۲۳۴ سوره بقره نیز آمده است: باکی بر شما نیست، در آن اموری که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام می‌دهند (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (سوره بقره، آیه ۲۳۴)

کلیشه‌های جنسیتی و اشتغال زنان

والتر لیپمن نخستین کسی است که در کتابش با عنوان فرهنگ عامه، تفکر قالبی را به معنای تصاویر ثابت و محدود در ذهن به کار برد (کیسی، ۲۰۰۲: ۱) در نظر او کلیشه یا تفکر قالبی شامل؛ باورها، اندیشه‌ها و قالب‌های ساخته و پرداخته ذهنی بود که به ادراکات شخص از محیط پیرامون خود، رنگ خاصی می‌بخشد و به صورت میراث اجتماعی از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۷۵) کلیشه‌های جنسیتی مجموعه‌ای سازمان‌یافته از باورها درباره زنان و مردان است. کلیشه‌های جنسیتی دربرگیرنده اطلاعات درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علائق، صفات روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل زنان و مردان است (گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۴: ۲۸) محتوای کلیشه‌های جنسیتی در توانایی‌های مختلف از جمله توانایی زبان‌آموزی از جمله توانایی زبان‌آموزی، یادگیری زبان، ریاضی و کامپیوتر و نظایر آن موجب می‌شود که حتی در تقسیم کار اجتماعی و خانگی نیز نوعی نابرابری جنسیتی مشاهده شود (سلز، ۱۹۷۳ به نقل از گولومبوک و فی‌وش، ۱۳۸۴) کلیشه‌های جنسیتی رفتارها و تفکراتی هستند که به صورت مکرر انتظار می‌رود یک جنس در جامعه آن‌ها را ایفا می‌کند یا آن چنان بیندیشد (شهبانی، ۱۳۸۰) یکی از پیش فرض‌های نظریه طرح‌واره جنسیتی، به لحاظ مفهومی بسیار شبیه کلیشه جنسیتی، این است که عناصر دانش مربوط به جنسیت دربرگیرنده رفتارها، نقش‌ها، مشاغل و صفات است. به عبارتی زنانگی و مردانگی به عنوان مشخصات زنان و مردان صرفاً به مثابه برساخته‌های اجتماعی فرهنگی و نه به عنوان خصلت‌های اشخاص

وجود دارند و به راستی زنانگی و مردانگی چیزی بیش از مجموعه تصوراتی نیست که مردم درباره یکدیگر و خودشان در زمینه‌های اجتماعی خاص دارند. کلیشه‌ها باورها و نگرش‌ها به مردانگی و زنانگی را شکل داده و بدین ترتیب بر نقش‌های اجتماعی اثر می‌گذارد که هر یک از زن و مرد می‌توانند بپذیرند (هایدی، ۲۰۰۴).

مطالعه‌ی خواجه نوری (۱۳۸۶) با عنوان «تأثیر فرایند جهانی‌شدن بر تقسیم کار» نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای آگاهی نسبت به فرایند جهانی‌شدن، تصمیم‌گیری در خانواده، مشارکت سیاسی، شیوه زندگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه‌های فرهنگی سهم زیادی در تبیین متغیر وابسته یعنی تقسیم کار داشته‌اند. جاراللهی (۱۳۷۵) پژوهشی در خصوص تأثیر اشتغال زن بر مشارکت شوهر در انجام امور خانگی انجام داد. در این پژوهش اثر اشتغال زنان کارگر بر همکاری و مشارکت شوهرانشان در منزل سنجیده است. نتایج نشان داد که زنان شاغل نسبت به زنان غیر شاغل از قدرت بیش‌تری بهره‌مند بودند، اما اشتغال این زنان تأثیر ناچیزی بر همکاری و مشارکت مردان در کارهای خانه داشت. منصوریان و قادری (۱۳۷۴) پژوهشی به نام «ساخت قدرت در خانواده» در شهر شیراز انجام داده‌اند، در این تحقیق الگوی تقسیم کار تحت تأثیر میزان تحصیلات زن، وضعیت اشتغال او و سن شوهر بوده است.

پژوهش کیفی کوک و نادسون مارتین (۲۰۰۸) در میان زوج‌های سنگاپوری حاکی از آن بود که جابه‌جایی در قدرت در خانه به سوی برابری، بیش‌تر در ساختاری اتفاق می‌افتد که مردان با توجه به جابه‌جایی قدرت انتخاب‌نهایی را در اختیار داشته و زنان راه‌هایی برای نفوذ بر آن‌ها یافته باشند. زیپ و همکاران (۲۰۰۶)، پژوهشی تحت عنوان «روابط زن و شوهر و قدرت مخفی در ازدواج» انجام دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که حتی اگر زنان درآمد بیش‌تری از شوهران خود داشته باشند، این زنان هستند که با راهکارهای شوهران خود بیش‌تر موافقت نشان می‌دهند. گاتسو-وین دل و مک مولین^۲ (۲۰۰۳) با استفاده از مدل پدرسالاری و ایدئولوژی جنسیتی، پژوهشی در کشور کانادا تحت عنوان «تبیین نابرابری جنسیتی در توزیع قدرت درون خانواده» انجام داده‌اند و معتقد هستند الگوهای کار در خانه، انعکاس باورهای فرهنگی یا فضاها یا جداگانه وظایف یا مسئولیت‌ها است. باتس^۳ و همکاران

1. Hyde
2. McMullin
3. Bates



(۲۰۰۳) در تحقیق خود نشان دادند که خانواده‌هایی که زن و شوهر از حیث قدرت یکسان هستند، پدر سالاری کمتر است، اما خانواده‌هایی که میزان برخورداری زوجین از قدرت یکسان نیست و به عبارتی توزیع قدرت نامتعادل است، در سطوح بالای پدر سالاری قرار دارند. در همین خصوص لوی و کاتز^۱ (۲۰۰۲) پژوهش دیگری تحت عنوان «تقسیم کار، رعایت عدالت و کیفیت ازدواج» انجام دادند. آن‌ها در این تحقیق بر رابطه شیوه جامعه‌پذیرکردن زن و سهم او از توزیع قدرت اشاره دارند و نتیجه تحقیق خود را چنین گزارش کرده‌اند که ارزش‌ها و هنجارهایی که زن در فرآیند جامعه‌پذیری درونی کرده‌است، شیوه عملکرد او را در فرآیند قدرت پیش‌بینی می‌کند. تحقیق دیگری را سی و فینالی^۲ (۱۹۸۴) در میان زنان متأهل آمریکایی انجام دادند که یافته‌ها نشان داد زنان شاغل نسبت به زنان غیر شاغل مسئولیت کم‌تری در کارهای خانه دارند. همچنین زنانی که درآمدشان بیش‌تر از مردان بود، مسئولیت کم‌تری در کارهای خانه داشتند. هوبر^۳ (۱۹۸۱) در پژوهشی با ۲۰۰۲ زن شاغل متأهل مصاحبه داشت و به این نتیجه رسید که کار خارج از خانه سبب می‌شود تا تعاون و همکاری بیش‌تری در میان زنان و مردان در امور خانه‌داری ایجاد شود. نتایج حاکی از آن بود که مردانی که دارای همسری شاغل، با سابقه کار زیاد و درآمد بیش‌تر هستند، بیش‌تر در امور خانه‌داری مشارکت می‌کنند تا خانواده به کارکرد خود ادامه دهد.

یکی از متفکرانی که از نگاه مارکسیستی سرمایه اجتماعی را تحلیل کرده «پیر بوردیو» است. از نظر او سرمایه دارای انواع مختلفی است. نظیر سرمایه فرهنگی. «بوردیو» اولین بار مفهوم سرمایه فرهنگی را برای توضیح دستاوردهای آکادمیک نابرابر بچه‌های طبقات مختلف اجتماعی و گروه‌های مختلف طبقات اجتماعی به کار برد. او در مطالعات خود به این نتیجه رسیده بود که انتخاب «راهکارهای سرمایه‌گذاری فرهنگی مناسب» در خانواده، نقش مهمی در فراگیری بهتر آموزش و حفظ اندوخته‌های دانش‌آموزان دارد. به عقیده او از بعضی جهات، سرمایه فرهنگی بهترین و مؤثرترین روش انتقال سرمایه موروثی است؛ زیرا تا حد زیادی به صورت عینی انجام شده است. بنابراین، از کنترل کم‌تری برخوردار است، در حالی که ثروت

-
1. Lavee & Katz
 2. See Maret, Barbara Finlay
 3. Huber

اقتصادی حاصل از ارث از طریق مالیات قابل مهار است (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۹-۱۳۷) او سرمایه فرهنگی را به سه قسم «متجسد»، «عینیت یافتگی» و «نهادینه شده» تقسیم کرده و هر کدام را علی حده تعریف کرده است (بورديو، ۱۳۸۴: ۱۳۶). مبنای این تقسیم بندی نیز این است که او برای تمام پدیده های اجتماعی از جمله فرهنگ، دو بعد ذهنی و عینی قائل است.

الف. سرمایه مهارت ها: به بعد حک شده ای فرهنگی در جسم، اندیشه، احساس و رفتار انسان، سرمایه فرهنگی متجسد اطلاق می شود (همان: ۱۳۷)؛ ب. سرمایه عینیت یافتگی (کالاها): مقصود آن سنخ از سرمایه هایی است که به شکل کالاهای فرهنگی (تصویرها، کتابها، لغت نامه ها، ادوات، ماشین آلات و غیره) در خارج از ذهن تحقق می یابد؛ ج. سرمایه فرهنگی نهادینه شده (عناوین کمیاب): به امتیازات یا سرمایه های حاکی از عناوین کمیاب سرمایه فرهنگی مدارک و مدارج تحصیلی است. سرمایه فرهنگی نهادینه شده میان توانمندی های ذاتی و اکتسابی فرد تمایز ایجاد می کند.

ولکاک و نارایان^۱ برای بررسی سرمایه اجتماعی آن را در سه بعد درون گروهی، برون گروهی و ارتباطی ارزیابی می کند.

سرمایه اجتماعی درون گروهی: سرمایه اجتماعی درون گروهی، بیان کننده همبستگی میان افراد همانند در موقعیت های مشابه است، مانند افراد خانوار، دوستان، همسایگان و نزدیکان (ولکاک، ۲۰۰۰: ۱۳). سرمایه اجتماعی درون گروهی، تمایل به ممانعت از دخول دیگران (غیر خودی ها) دارد و تمایل به حفظ همگنی وجود دارد (پاتنام، ۲۰۰۰). بنابراین، این سرمایه به روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری بین اعضای یک گروه اشاره دارد که دیگر گروه ها برای اعضای آن غریبه محسوب می شوند (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۲). سرمایه اجتماعی درون گروهی به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار هستند. در این بعد از سرمایه اجتماعی بر منابع شخصی محدود مثل پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید می شود. این نوع سرمایه دو کارکرد اصلی می تواند داشته باشد، یکی اینکه مانند چسب اجتماعی همبستگی اجتماعی را تقویت می کند، دیگر اینکه بده بستان های خاص درون گروهی را تقویت می کند.

سرمایه اجتماعی برون گروهی: سرمایه اجتماعی بین گروهی دربرگیرنده همبستگی دورتر



افراد مانند دوستان دور، همکاران است (ولکاک، ۲۰۰۱: ۱۳). سرمایه اجتماعی برون گروهی به آن نوع از ارتباطاتی اشاره دارد که در بین افراد به جای اتکاء به نزدیکی‌های شخصی و هویت مشترک، بر علائق مشترک متکی است. نمودهای عمده این نوع از سرمایه را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های غیر محلی مشاهده کرد (آن هپیشایر، لیز آیرس و کارن هیلی^۱، ۲۰۰۳). بنابراین، این نوع سرمایه به اعتماد میان گروه‌های مختلف موجود در جامعه اشاره می‌کند. کارکردهای ارتباطات برون گروهی، برقراری ارتباط با منابع خارجی و تسهیل انتشار است و هرچه میزان این سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بیش تر باشد، امکان انجام توافقات و حل اختلافات بیش تر می‌شود (فیروزآبادی و ایمانی، ۱۳۸۵: ۲۰۳). این نوع سرمایه با پیوندهای ضعیف و کم عمق تر که پیوندهای بین گروهی را موجب می‌شود، مانند همکاری‌های تجاری، دوستی با گروه‌های مختلف شناخته می‌شود. در این شکل از سرمایه، شاهد روابط عمودی بین اجتماعات بوده و گروه‌های مختلف افراد در درون و بین گروه‌ها و اجتماعات تحرک بیش تری دارند.

سرمایه اجتماعی ارتباطی: به طور اخص بر پیوندهای اجتماعات و افراد با قدرت رسمی اشاره دارد و به طور اعم به ارتباطات بین افراد و گروه‌هایی اشاره دارد که در ساختار قدرت موقعیت‌های متفاوتی را اشغال می‌کنند. بنابراین، سرمایه اجتماعی برون گروهی از طریق شبکه‌های اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های غیر محلی، اتصال به منابع خارجی و دسترسی به اطلاعات را برای زنان به ارمغان آورد. همچنین زنان از طریق بده بستان‌های خاص درون گروهی که محصول سرمایه اجتماعی درون گروهی است به پشتیبانی و تفاهم متقابل به عنوان یک نوع سرمایه مجهز می‌شوند، در نهایت سرمایه اجتماعی ارتباطی به پیوندهای شخصی و غیر شخصی میان افراد گفته می‌شود که منابع حمایتی و اطلاعاتی را در اختیار زنان قرار می‌دهد.

در نظریه سرمایه اجتماعی بورديو مباحثی است درخصوص اینکه افراد از سرمایه‌های اجتماعی به دست آمده از جامعه می‌توانند برای پیشبرد موقعیت خود در روابط خود با افراد دیگر بهره ببرند. در توضیح این مطلب می‌توان گفت در خانواده‌ها نیز وقتی هرکدام از زن یا شوهر سرمایه اجتماعی‌ای به دست می‌آورند، این سرمایه‌ها می‌توانند ابزاری برای پیشبرد

1. Karen Healy Liz Ayres & Anne Hampshire

موقعیت و اهداف آن‌ها در خانواده باشند. بورديو مفاهيم سرمايه را به بحث نابرابري پيوند مي‌زند و به نقش اختلاف افراد در سرمايه‌هاي موروثي (اقتصادي) و غير موروثي (فرهنگي) اشاره مي‌کند. توجه بورديو به وجود نابرابري جنسيتي در جامعه از بحث‌هاي جالب توجه اوست. بورديو معتقد است نابرابري جنسيتي بعضاً غير قابل مشاهده است، اين نابرابري توسط بازي قدرت احاطه شده و تحت سلطه درآمده است. که در اينجا ما ايده بورديو را درباره نابرابري‌هاي جنسيتي در بهره‌مندی از سرمايه‌هاي اجتماعي و به تبع آن نابرابري در قدرت را درباره جامعه‌اي کوچک‌تر يعني خانواده و روابط بين زن و شوهر فرض کردیم. با اين توضيح که اگر هر کدام از زن و شوهر در کسب سرمايه‌هاي اجتماعي و منابع ارزشمند بر ديگري پيشي بگيرد، مي‌تواند از اين منابع و سرمايه‌هاي اجتماعي براي پيشبرد موقعيت و اهداف خود از آن‌ها استفاده کند.

با توجه به سؤال پژوهش مي‌توان چنين فرض کرد که بين گروه‌هاي مختلف زنان درباره بهره‌مندی از سرمايه‌هاي اجتماعي تفاوت وجود دارد. در اين پژوهش تأثير سرمايه‌هاي اجتماعي زنان بر سهم آن‌ها از توزيع قدرت در خانواده در نظر گرفته شده است. در کنار متغير مستقل سرمايه اجتماعي، متغيرهاي زمينه‌اي مثل سن، ميزان تحصيلات، درآمد و... بررسي شد. براي سنجش سرمايه اجتماعي به سه بخش سرمايه اجتماعي درون گروهی، سرمايه اجتماعي برون گروهی و ارتباطی تقسيم شد.

فرضيه مطالعه حاضر نيز اين بود که کسب سرمايه‌هاي اجتماعي توسط زنان مي‌تواند باعث تغيير در موقعيت آن‌ها در خانواده و تغيير در چگونگي توزيع نقش‌ها باشد، به اين معنا که سرمايه‌هاي اجتماعي به عنوان فرصتي براي زن عمل مي‌کنند که بتواند از آن به نفع خود در خانواده استفاده کنند.



نمودار ۱: مدل نظري تحقيق (اين مدل به صورت شماتيک متغيرهاي مستقل بر متغير وابسته را قبل از آزمون نشان مي‌دهد)



فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از:

- بین میزان سرمایه‌های اجتماعی زنان و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه وجود دارد.
- بین آگاهی زنان از حقوق خودشان و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین ساخت قدرت در خانواده و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین تحصیلات پاسخگو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه وجود دارد.
- بین تحصیلات همسر پاسخگو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه وجود دارد.
- بین میزان درآمد پاسخگو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین متغیرهای زمینه‌ای و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین وابستگی عاطفی پاسخگو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.
- بین نوع رابطه جنسی پاسخگو و چگونگی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار وجود دارد.

سرمایه اجتماعی ارتباطی: سرمایه اجتماعی ارتباطی به طور اخص به پیوندهای اجتماعات و افراد با قدرت رسمی اشاره دارد که در ساختار قدرت موقعیت‌های متفاوتی را اشغال می‌کنند. این نوع پیوندها در ارتباط با اعتماد به حکمرانی و نظام‌های کارشناسی هستند (استون و هیوجز، ۲۰۰۴).

وابستگی عاطفی به همسر: بلا در نظریه منابع اشاره می‌کند که وابستگی عاطفی زوجین به یکدیگر، دلبستگی و کششی بین زوجین تلقی می‌شود و به عنوان یک منبع ارزشمند و در

دسترس زوجین، در توزیع قدرت تصمیم‌گیری در خانواده نقش مهمی دارد (ریتزر، ۱۹۷۹) در پژوهش حاضر، منظور از دموکراتیک بودن تقسیم کار، مشارکت مردان در انجام دادن کارهای خانگی است و نه تقسیم مساوی کارهای منزل بین زن و مرد، چون در بعضی از جوامع با توجه به فرهنگ خاصی که دارند ممکن است کارها بین زن و مرد مساوی تقسیم شود، اما انجام دادن بعضی از کارهای خانگی توسط مردان باعث کسر شأن آن‌ها شود و در نتیجه چنین تقسیم کاری ممکن است منصفانه یا دموکرات نباشد. بنابراین، در این پژوهش، منظور از تقسیم کار دموکراتیک، در واقع مشارکت مردان در انجام دادن کارهای خانگی مد نظر است.

- الگوی تقسیم کار در خانواده: در تحقیق حاضر تعریف الگوی تقسیم کار در خانواده آن‌چنان که مد نظر محقق است به صورت زیر است. منظور، میزان مشارکت همسران پاسخ‌گویان در انجام کارهای منزل است. این متغیر در سطح فاصله‌ای، با ۸ گویه و آلفای ۰/۷۴۵ سنجیده شد و شامل مؤلفه‌های زیر است: ۱- پخت و پز؛ ۲- رفت و روب منزل؛ ۳- خرید روزمره؛ ۴- نگهداری از بچه‌ها؛ ۵- نگهداری از سالمندان؛ ۶- نظارت بر تکالیف بچه‌ها؛ ۷- شرکت در مراسم اولیاء و مریبان؛ ۸- پرداخت پول تو جیبی به بچه‌ها.

ساخت قدرت در خانواده: در تحقیق حاضر تعریف عملیاتی ساخت قدرت در خانواده آن‌چنان که مد نظر محقق بود با ۶ گویه و آلفای ۰/۷۳۱ به صورت زیر است: ۱- تصمیم‌گیری زن در امور مهم خانه؛ ۲- تصمیم‌گیری زن در امور تربیتی فرزندان؛ ۳- تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مالی؛ ۴- احترام اعضای به مادر خانواده.

سرمایه اجتماعی: برای سنجش سرمایه اجتماعی در پژوهش حاضر، سه بعد برای آن متصور است:

سرمایه اجتماعی محدود یا درون‌گروهی: این شاخص از سرمایه اجتماعی به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار هستند. در این بعد از سرمایه اجتماعی بر منابع محدود مثل پیوندهای خانوادگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید می‌شود. نموده‌های عمده این بعد از سرمایه اجتماعی را می‌توان در شبکه‌های محلی و خویشاوندی مشاهده کرد. در پژوهش حاضر این شاخص شامل مؤلفه‌هایی نظیر رفت‌وآمد با اقوام درجه یک و میزان



اعتماد به آن‌ها، رفت و آمد با اقوام درجه دو و دوستان و میزان اعتماد به آن‌ها، ارتباط با هم محله‌ای‌ها و اعتماد به آن‌ها، میزان احساس امنیت و آرامش در محله‌ای که افراد در آن زندگی می‌کنند، میزان امانت‌داری انصاف و صداقت در محله، میزان احساس مسئولیت افراد محله نسبت به یکدیگر را در بر می‌گیرد، ضریب آلفای این شاخص از سرمایه اجتماعی با ۱۳ گویه ۰/۹۱۶ است.

۱. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی: نمودهای عمده این بعد از سرمایه اجتماعی را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های غیر محلی مشاهده کرد. از جمله میزان اعتماد اجتماعی مانند اعتماد به نهادها و اصناف مختلف، میزان مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی مثل (شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، شورای شهر و انتخابات مجلس شورای اسلامی)، میزان فعالیت در انجمن‌های اجتماعی نظیر (مؤسسه‌های قرض الحسنه، تیم‌های ورزشی، انجمن‌های خیریه و انجمن‌های علمی)، و ... در پژوهش حاضر ضریب آلفای سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با ۱۱ گویه ۰/۶۷۱ شده است.

۲. سرمایه اجتماعی ارتباطی: این شاخص از سرمایه اجتماعی شعاع ارتباطات (رفت و آمدهای خانوادگی، شرکت در مجالس دوستان و آشنایان) و نوع ارتباطات (بده بستان پول، وسایل زندگی، مشورت با اطرافیان) و غیره را در برمی‌گیرد. این متغیر با ۱۰ گویه دارای آلفای ۰/۸۱۴ بوده است.

در پژوهش حاضر نیز منظور از سرمایه اجتماعی، موقعیت‌ها و روابط موجود افراد در گروه‌های خانوادگی، دوستی و گروه‌های اجتماعی است، که از جمع نمرات پاسخگویان از سنجش‌های سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به دست آمده است.

وابستگی عاطفی به همسر: در پژوهش حاضر منظور از «وابستگی عاطفی به همسر» آنچنان

که مورد نظر محقق بوده است به صورت زیر تعریف شده است.

وابستگی عاطفی، یا اصطلاحاً میزان عشق هر یک از زن و شوهر نسبت به همسرش مدنظر

است. به این معنا که کدام یک از زن و شوهر از نظر عاطفی بیش‌تر به همسر خود وابسته، یا

اصطلاحاً عاشق‌تر است. این متغیر در سطح اسمی سنجیده شده است. زیبایی و جذابیت زن برای همسر: بلا در نظریه منابع اشاره می‌کند زیبایی و جذابیت فرد برای همسر از جمله منابع ارزشمندی است که در توزیع قدرت در خانواده نقش مهمی دارد (ریتزر، ۱۹۷۹). در پژوهش حاضر نیز آنچنان که مد نظر محقق است، آن چنان که مورد نظر محقق بوده به صورت زیر تعریف شده است.

منظور میزان جذابیت زن برای همسرش (از دیدگاه خود زن) است، که این متغیر نیز در سطح اسمی سنجیده شد.

نوع رابطه جنسی: در تحقیق حاضر نوع رابطه جنسی پنین تعریف می‌شود: ماهیت رابطه جنسی پاسخگو با همسرش به دو نوع فعالانه و منفعلانه تقسیم شده است. رابطه جنسی فعالانه، رابطه‌ای است که پاسخگو در پذیرش و انتخاب آن سهم دارد و لذت جنسی او نیز در نظر گرفته می‌شود، اما رابطه جنسی منفعلانه، به پاسخگو تحمیل می‌شود. سطح سنجش این متغیر اسمی بود.

روش پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش پیمایش^۱ بوده است. جامعه آماری این پژوهش زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش در شهر مشهد بوده است. کلان شهر مشهد مرکز استان خراسان رضوی و در شمال شرقی کشور قرار دارد و دارای قومیت‌های فارس، ترک، کرد و... است. طبق آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، مهاجرت زنان به شهر مشهد به قصد تحصیل و اشتغال از سال ۱۳۷۵ با ۱۴/۶٪ به ۱۵/۲٪ در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). بنابراین، با توجه به نرخ روبه رشد مهاجران به مشهد، تعداد دانش‌آموزان و رقم جالب توجهی از زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر مشهد و بحث برانگیز بودن موضوع تقسیم کار خانگی و عوامل مؤثر بر آن، پیچیدگی و اهمیت اجرای تحقیق را به خوبی نشان می‌داد. طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۹۲، تعداد زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر مشهد ۱۷۴۰۴ نفر است. با قراردادن این عدد در فرمول کوکران و با ۹۵٪ اطمینان و با خطای ۵٪ حجم نمونه ۳۸۶ نفر تعیین شد، که برای اطمینان بیش‌تر ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شده است.

1. Survey



زنان متأهل از طریق شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شده‌اند، به این صورت که ابتدا برای این کار از مناطق هفت‌گانه آموزش و پرورش ۴ منطقه به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از بین مدارس هر منطقه، مدارس به صورت تصادفی انتخاب شدند و در آخر پرسشنامه در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. داده‌های مورد نیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه، جمع‌آوری و با نرم افزار spss تحلیل شد.

متغیر وابسته: در این پژوهش تقسیم‌کار خانگی است، در این پژوهش الگوی تقسیم‌کار، یعنی اینکه کارهای خانگی را چه کسی (زن یا شوهر) و در چه حدی انجام می‌دهد، توسط طیف لیکرت و به وسیله ۹ گویه سنجیده شد. در واقع به وسیله این طیف میزان مشارکت همسران پاسخ‌گویان در انجام دادن کارهای منزل سنجیده شد. نتایج حاکی از آن است که ۱۶/۲٪ از همسران پاسخ‌گویان سهمی کم، ۷۰/۲٪ سهم متوسط، و ۱۳/۵٪ مشارکت بالایی در انجام دادن کارهای منزل داشته‌اند.

یافته‌های پژوهش

همچنان که مشاهده می‌شود ۱۷/۰٪ از پاسخ‌گویان سرمایه اجتماعی پایین، ۶۶/۵٪ از آن‌ها سرمایه اجتماعی متوسط و تنها ۱۷/۵٪ از آن‌ها سرمایه اجتماعی بالایی دارند. همچنین با توجه به جدول ۲، تنها ۱۳/۵٪ از همسران پاسخ‌گویان مشارکت بالایی در انجام دادن کارهای خانگی دارند.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان

سرمایه اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۶۴	۱۷/۰
متوسط	۲۲۶	۶۶/۵
بالا	۷۰	۱۶/۵

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد مشارکت همسر پاسخگو در کار منزل

الگوی تقسیم کار	فراوانی	درصد
پایین	۶۵	۱۶/۲
متوسط	۲۸۱	۷۰/۲
بالا	۵۴	۱۳/۵

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بیش از ۷۰٪ پاسخگویان الگوی تقسیم کار متوسطی دارند. ۱۶/۲٪ پاسخگویان تقسیم کار خانگی پایینی در زندگی آن‌ها حکمفرماست و تنها ۱۳/۵٪ پاسخگویان از الگوی تقسیم کار بالایی بهره‌مند هستند.

یافته‌های استنباطی: در اینجا فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تکنیک‌های آمار استنباطی بررسی می‌شود. در جدول ۳ رابطه برخی متغیرهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی با تقسیم کار خانگی بررسی می‌شود.

همچنان که یافته‌های جدول نشان می‌دهند، هرچه ساخت قدرت در خانواده دموکرات‌تر باشد تقسیم کار در خانواده نیز دموکرات‌تر است، به بیان دیگر وقتی که قدرت در خانواده بین زن و مرد تقسیم شود، میزان مشارکت مردان در انجام کارهای خانگی نیز بیشتر می‌شود. لذا فرضیه سوم با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌شود. براساس اطلاعات جدول، اگر سرمایه اجتماعی زنان نیز بیشتر باشد، همسرانشان بیشتر در انجام دادن کارهای خانگی مشارکت دارند، این رابطه در سطح ۰/۰۰۵٪ معنادار است. به عبارت دیگر میزان تقسیم کار خانگی معلول سرمایه اجتماعی زنان است.

میزان درآمد پاسخگو نیز با تقسیم کار خانگی رابطه معنادار دارد. به بیان دیگر هر چه درآمد پاسخگو بیشتر باشد، مشارکت همسر او در انجام کارهای خانگی نیز بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر تقسیم کار معلول درآمد پاسخگوست. این رابطه در سطح معناداری ۰/۰۰۳٪ می‌شود. بنابراین، فرضیه ششم تأیید شد. اما از بین این متغیرها، تحصیلات، تحصیلات همسر پاسخگو و میزان آگاهی پاسخگو از حقوق خودش با تقسیم کار خانگی رابطه معناداری نداشته‌اند. بنابراین، فرضیه‌های دوم، چهارم و پنجم تأیید نشدند. به عبارت دیگر تقسیم کار در خانه معلول تحصیلات، آگاهی از حقوق و تحصیلات همسر نیست.



جدول ۳: آزمون رابطه بین متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تقسیم کار در خانواده

متغیر	R	R ²	R ² تنظیم شده	ضریب b	ضریب بتا	مقدار F	سطح معناداری
ساخت قدرت	/۱۹۳	/۰۳۷	/۰۳۵	/۰۲۵	/۱۹۳	۱۵/۴۲۹	/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	/۱۴۱	/۰۲۰	/۰۱۷	/۰۱۵	/۱۴۱	۸/۰۵۴	/۰۰۵
درآمد	/۱۴۷	/۰۲۲	/۰۱۹	۲/۰۶	/۱۴۷	۸/۷۶۳	/۰۰۳
آگاهی از حقوق	/۰۶۱	/۰۰۱	/۰۰۱	/۰۳۶	/۰۶۱	۱/۴۹۱	/۲۲۳
تحصیلات همسر	/۰۰۱	/۰۰۰	-/۰۰۳	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۹۹۰
تحصیلات	/۰۴۰	/۰۰۲	/۰۰۰	/۰۲۴	/۰۴۰	/۶۲۸	/۴۲۹

جدول ۴ نشان‌دهنده رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با تقسیم کار خانگی است. با توجه به اطلاعات این جدول، بین متغیرهایی همچون سن پاسخگو، سن پاسخگو هنگام ازدواج، سن همسر او، مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان با تقسیم کار خانگی رابطه معنادار وجود دارد. به بیان دیگر هر چه سن پاسخگو و همسر او بیشتر باشد، مشارکت همسر او در کارهای خانگی نیز بیشتر می‌شود، این رابطه با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌شود. همچنین هر چه زنان در سنین بالاتری ازدواج کنند، احتمال بهره‌مندی از مشارکت بیشتر همسرشان در انجام دادن کارهای خانگی بیشتر می‌شود (Sig=۰/۰۰۹). افزون بر این هر چه سال‌های ازدواج بیشتر باشد، احتمال اینکه مردها بیشتر در کارهای خانگی مشارکت کنند، نیز بیشتر می‌شود. این رابطه نیز با ۹۵٪ اطمینان معنادار است. متغیر تعداد فرزندان با تقسیم کار جهت عکس دارد، به این معنا که هر چه تعداد فرزندان بیشتر می‌شود، مشارکت مردان در انجام دادن کارهای خانگی کم‌تر می‌شود. این رابطه با ۹۵٪ اطمینان تأیید می‌شود. به عبارتی دیگر تقسیم کار در خانه معلول تعداد فرزندان است و هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد، تقسیم کار کم‌تر است.

جدول ۴: آزمون رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و تقسیم‌کار در خانواده

متغیر	R	R ²	R ² تنظیم شده	ضریب b	ضریب بتا	مقدار F	سطح معناداری
سن	۰/۳۰۶	۰/۰۹۴	۰/۰۹۲	۰/۰۹۰	۰/۳۰۶	۴۱/۲۵۲	۰/۰۰۰
سن ازدواج	۰/۱۳۰	۰/۰۱۷	۰/۰۱۵	۰/۰۸۹	۰/۱۳۰	۶/۸۹۴	۰/۰۰۹
سن همسر	۰/۳۱۰	۰/۰۹۶	۰/۰۹۴	۰/۰۸۵	۰/۳۱۰	۴۲/۳۸۹	۰/۰۰۰
مدت ازدواج	۰/۳۰۷	۰/۰۹۴	۰/۰۹۲	۰/۰۷۹	۰/۳۰۷	۴۱/۳۲۲	۰/۰۰۰
تعداد فرزند	۰/۲۷۱	۰/۰۷۳	۰/۰۷۱	-۰/۳۵۲	-۰/۲۷۱	۳۱/۴۷۶	۰/۰۰۰

بررسی تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب نوع رابطه جنسی پاسخگویان نشان داد که میانگین پاسخگویانی که روابط جنسی آنها منفعلانه است، ۱۱/۹۴ و میانگین پاسخگویانی که روابط جنسی فعالانه دارند ۱۲/۵۳ است. مقایسه میانگین این دو گروه، تفاوت معناداری را بین آنها از لحاظ چگونگی تقسیم کار در خانواده نشان می‌دهد. مقدار T برابر ۲/۱۳۹- در سطح معناداری ۰/۰۳۳ نشان‌دهنده عدم رد این رابطه است.

جدول ۵ نشان‌دهنده تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب میزان وابستگی پاسخگو به همسرش است. متغیر وابستگی عاطفی، میزان وابستگی عاطفی یا اصطلاحاً عشق هر یک از زن و شوهر را نسبت به همسر خود می‌سنجد، برای بررسی این متغیر و متغیر وابسته از آزمون T مستقل استفاده شد. بیش‌ترین و کم‌ترین میانگین تفاوت چندانی با هم ندارند، بیش‌ترین میانگین مربوط به مردان و کم‌ترین میانگین مربوط به زنان است. مقدار T برابر با ۱/۲۱۰- است که در سطح معناداری ۰/۲۲۹ نشان‌دهنده فقدان تأیید این فرضیه است. به عبارتی دیگر تقسیم کار در خانه معلول وابستگی عاطفی به همسر نیست و این متغیر مستقل بر تقسیم کار تأثیری ندارد.

جدول ۵: آزمون رابطه وابستگی عاطفی به همسر و الگوی تقسیم کار در خانواده

متغیر	وابستگی عاطفی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
وابستگی عاطفی به زن	۳۱۸	۱۲/۱۳	۲/۳۶			
وابستگی عاطفی به مرد	۸۲	۱۲/۵۲	۲/۶۷			
					-۱/۲۱۰	۰/۲۲۹



جدول ۶ نشان‌دهنده تفاوت میانگین تقسیم کارخانگی بر حسب جذابیت پاسخگویان است. به عبارتی دیگر از زنان پاسخگو درباره وابستگی به شوهرشان سؤال شد و از همان زنان پاسخگو در خصوص وابستگی عاطفی شوهران آنها به آنها سؤال شد. با توجه به اسمی بودن این متغیر، برای بررسی رابطه آن با متغیر وابسته از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. بیش‌ترین میانگین مربوط به گروهی بود که جذابیت آنها برای شوهرشان زیاد بوده است و کم‌ترین میانگین مربوط به گروهی بود که جذابیت کمی برای شوهرشان داشته‌اند. مقدار F برابر با ۱/۷۴۱ است که در سطح معناداری ۰/۱۴۰ گویای فقدان تأیید این فرضیه است.

جدول ۶: آزمون رابطه میزان جذابیت پاسخگو برای همسر او و الگوی تقسیم کار

متغیر	زیبایی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	جمع مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
کم	۶	۱۱/۳۳	۱/۳۶	۵۵۷۷۷				
نسبتاً کم	۷۶	۱۱/۷۵	۲/۱۶	۲۴۷۸۹				
متوسط	۱۴۷	۱۲/۱۴	۲/۴۹	۲۰۵۵۴	۴۱/۰۷۰	۱/۷۴۱	۰/۱۴۰	
نسبتاً زیاد	۹۵	۱۲/۳۴	۲/۵۳	۲۶۰۴۰				
زیاد	۷۶	۱۲/۶۹	۲/۴۷	۲۸۳۴۷				

جدول ۷ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را به شیوه گام به گام برای متغیر وابسته (تقسیم کار) نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان‌دهنده آن هستند که متغیرهای ساخت قدرت در خانواده، تعداد فرزندان، درآمد و سرمایه اجتماعی نسبت به متغیرهای دیگر قدرت بیش‌تری برای پیش‌بینی واریانس متغیر وابسته داشته‌اند. اولین متغیر وارد شده به معادله، ساخت قدرت در خانواده است. که ۹/۶٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند، با وارد شدن متغیر تعداد فرزندان، توان پیش‌بینی مدل به ۱۸/۳٪ می‌رسد. در مرحله سوم، درآمد پاسخگو وارد معادله شد. این متغیر به همراه متغیرهای پیشین ۱۹/۹٪ توان پیش‌بینی متغیر وابسته را دارد. در آخرین مرحله نیز، سرمایه اجتماعی پاسخگو وارد معادله شد. در این مرحله توان تبیین مدل به ۲۱/۵٪ رسیده است. در مجموع این مدل توانسته است با پنج متغیر، ۲۱/۵٪ از تغییرات متغیر وابسته را

پیش‌بینی کند. به عبارتی تقسیم کار در خانه معلول و ناشی از تأثیر متغیرهای مستقلی چون ساخت قدرت، تعداد فرزندان، درآمد و سرمایه اجتماعی است.

جدول ۷: متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله

مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ²	R ² تنظیم شده	F	Sig F	ضریب بتا	T	SigT
۱	ساخت قدرت	۰/۳۱۰	۰/۰۹۶	۰/۰۹۴	۴۲/۳۴۰	۰/۰۰۰	۰/۴۴۴	۶/۶۵۷	۰/۰۰۰
۲	تعداد فرزند	۰/۴۲۸	۰/۱۸۳	۰/۱۷۹	۴۴/۵۰۳	۰/۰۰۰	۰/۳۰۳	۶/۶۸۱	۰/۰۰۰
۳	درآمد	۰/۴۴۶	۰/۱۹۹	۰/۱۹۳	۳۲/۷۶۱	۰/۰۰۶	۰/۱۵۶	۳/۳۱۰	۰/۰۰۱
۴	سرمایه اجتماعی	۰/۴۶۴	۰/۲۱۵	۰/۲۰۷	۲۷/۰۵۱	۰/۰۰۵	۰/۱۹۵	۲/۸۵۴	۰/۰۰۵

بحث و نتیجه‌گیری

در جامعه ما زنان رسالت سنگینی به دوش دارند. از یک سو فعالیت در مشاغل بیرون از منزل و از سوی دیگر تدبیر و مدیریت خانه و تربیت فرزندان به‌طور هم‌زمان باعث می‌شود تا در جهاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تلاش مضاعفی داشته باشند (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۲).

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت تقسیم کارخانگی در میان زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش انجام شده است. متغیر مستقل اصلی در این پژوهش سرمایه اجتماعی بوده است، که در سه سطح، سرمایه اجتماعی بیرون‌گروهی، درون‌گروهی و ارتباطی سنجیده شده است. پس از تلفیق شاخص‌های سه‌گانه سرمایه اجتماعی یک شاخص کلی ساخته شد، این شاخص نشان می‌دهد که ۱۷٪ از پاسخ‌گویان سرمایه اجتماعی کم، ۶۶/۵٪ از پاسخ‌گویان سرمایه اجتماعی متوسط و تنها ۱۶/۵٪ از پاسخ‌گویان سرمایه اجتماعی بالایی داشته‌اند.

نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای درآمد، سرمایه اجتماعی، سن و سن همسر، با الگوی تقسیم کار در خانواده رابطه معنادار و مثبت داشته‌اند. این یافته با نتایج پژوهش خواجه نوری (۱۳۸۵) همخوانی دارد، نتایج پژوهش او نشان داد که



سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیر زیادی در چگونگی تقسیم کار در خانواده داشته باشد، اما این یافته‌ها با نتایج پژوهش زیپ^۱ (۲۰۰۶) همسویی ندارد، نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که حتی اگر زنان درآمد بیش‌تری از شوهران خود داشته باشند، این زنان هستند که با راهکارهای شوهران خود بیش‌تر موافقت نشان می‌دهند. همچنین این یافته‌ها با نتایج پژوهش منصوریان و قادری (۱۳۷۴) همسویی دارد، نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که الگوی تقسیم کار در خانه تحت تأثیر سن شوهر نیز هست.

اما تعداد فرزندان پاسخگو با متغیر وابسته دارای رابطه معنادار و منفی بوده است. به این معنا که هر چه تعداد فرزندان پاسخگو بیش‌تر باشد، همسران آن‌ها در انجام دادن کارهای خانگی مشارکت کم‌تری دارند. همچنین متغیرهای تحصیلات، تحصیلات همسر، آگاهی پاسخگو از حقوق خود، با الگوی تقسیم کار رابطه نداشته‌اند، به این معنا که در جامعه آماری پژوهش برای انجام دادن کارهای خانگی به شیوه سنتی، بین گروه‌های مختلف زنان تفاوت چندانی دیده نمی‌شود و حتی تفاوتی نمی‌کند که تحصیلات و درآمد همسر او در چه حدی باشد و نیز بین زنانی که از حقوق خود آگاهی دارند و آن‌هایی که از حقوق خود آگاهی ندارند، هیچ تفاوتی در این خصوص دیده نمی‌شود. بنابراین، تقریباً همه زنان در همه طبقات اجتماعی کار «مدیریت خانگی» را انجام می‌دهند، حتی زنانی که دارای درآمد کافی برای استخدام زنانی از بیرون از محیط خانه برای انجام دادن بعضی از کارها هستند. در هر حال این زن است که با هر درجه تحصیلی و هر میزانی از آگاهی و تفکر، انجام کارهای منزل وظیفه خاص و منحصر به فرد او تلقی می‌شود، چرا که این تکلیفی است که جامعه برای او تعریف کرده و لاجرم و به جبر فرهنگ باید بپذیرد. این موضوع را می‌توان به این شیوه تبیین کرد که زنان خود را تنها مسئول انجام دادن کار خانگی و مراقبت از کودکان می‌دانند. حتی بعضی از افراد، کار در بیرون از خانه را چیزی می‌دانند که مانع انجام مسئولیت واقعی زنان در خانه می‌شود و به همین خاطر زنان اغلب تلاش می‌کنند اشتغال آن‌ها کم‌ترین تأثیر را بر وضعیت خانواده شان داشته باشد. آن‌ها این کار را به وسیله کار بیش از حد یا پرداخت مخارج استخدام افراد دیگر برای انجام دادن کارهای خانگی انجام می‌دهند. این یافته با نتایج پژوهش منصوریان و قادری (۱۳۷۴) همخوانی ندارد، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که الگوی تقسیم کار در

1. Zipp

خانواده‌های پاسخگویان متأثر از میزان تحصیلات زنان بوده است. در توضیح مطالب فوق، می‌توان گفت که گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، فقط بخشی از نظام هنجاری مربوط به خانواده و نقش‌های زن و مرد را تغییر داده، و حداقل در جامعه آماری تحقیق بخش دیگر همچنان به قوت خود باقی مانده است، با این توضیح که بخشی از نظام هنجاری مربوط به حضور زنان در صحنه اجتماع و اخذ جایگاه‌های اجتماعی تغییر کرده است، اما همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بر خلاف همه این تحولات، تعریف از نقش‌های زنانگی، به خصوص انجام دادن کارهای خانگی همچنان به قوت خود باقی است. به عبارتی از این منظر کسب فرصت‌های اجتماعی در الگوی تقسیم کار در خانواده تأثیر چندانی نداشته است و انجام دادن کارهای خانگی همچنان وظیفه خاص و اصلی آن‌ها تلقی می‌شود. چرا که به‌رغم فرایند گذار، در شهرها، تحقق ارزش‌ها و هنجارهای رایج در خصوص تعریف از نقش‌های زنانگی و مردانگی، تقریباً هنوز به شکل سنتی پذیرش شده و ارزش‌های جدید دنیای مدرن آن‌چنان قدرت عام نیافته و پذیرش عمومی نشده است.

نقش‌های چندگانه یا داشتن چند نقش به‌طور هم‌زمان می‌تواند با باز داشتن فرد از اختصاص تمام انرژی عاطفی اش بر یک نقش واحد، از حیث روانی و اجتماعی از او محافظت کند. وجود نقش‌های جایگزین می‌تواند همچنین احساس قدرت انتخاب و رضایت فرد را بالا ببرد و به تقویت حس احترام به خود، منزلت اجتماعی و هویت اجتماعی او منجر شود. نقش‌های متعدد همچنین به افزایش پیوستگی اجتماعی نیز کمک می‌کنند و افزایش در قدرت، منزلت و رضایت عاطفی افراد را در پی دارد (گیل، ۲۰۰۵).

در نهایت اینکه در تحلیل چند متغیره رگرسیونی، به روش گام به گام از میان همه متغیرهای مستقل، چهار متغیر وارد این معادله شده‌اند. که به ترتیب عبارت هستند از: ساخت قدرت در خانواده، تعداد فرزندان، درآمد و سرمایه اجتماعی پاسخگو که نسبت به متغیرهای دیگر قدرت بیش‌تری برای پیش‌بینی متغیر وابسته داشته‌اند. از بین این متغیرها ساخت قدرت در خانواده، توان بیش‌تری برای پیش‌بینی متغیر وابسته داشته است. به این معنا که زنانی که قدرت بیش‌تری در خانواده داشته‌اند، همسران آن‌ها بیش‌تر در انجام دادن کارهای خانگی مشارکت داشته‌اند.



دومین متغیر وارد شده به معادله، تعداد فرزندان است که جهت عکس با متغیر وابسته دارد، به این معنا که هر چه تعداد فرزندان پاسخگو بیش‌تر باشد، همسران آن‌ها در انجام دادن کارهای خانگی مشارکت کم‌تری دارند. در توجیه این مطلب می‌توان گفت که به نظر می‌رسد زنانی که فرزندان زیادتری دارند، در واقع آن دسته از زنانی هستند که سرمایه اجتماعی و آگاهی کم‌تری از حقوق خود دارند و بنابراین، همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در خانواده‌های آن‌ها، انجام دادن کارهای خانگی وظیفه خاص و منحصر به فرد زن تلقی می‌شود. در توجیه درآمد پاسخگو طبق چارچوب نظری تحقیق می‌توان گفت که هرچه زنان منابع اقتصادی بیش‌تری داشته باشند، می‌توانند از آن برای پیشبرد اهداف و موقعیت‌های خود در روابط خانوادگی‌شان استفاده کنند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق زیپ (۲۰۰۶) همسویی ندارد، نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که حتی اگر زنان درآمد بیش‌تری از شوهران خود داشته باشند، این زنان هستند که با راهکارهای شوهران خود بیش‌تر موافقت نشان می‌دهند.

در خصوص سرمایه اجتماعی نیز، طبق چارچوب نظری تحقیق باید گفت که سرمایه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و جایگاه‌هایی که افراد دارند، در واقع در حکم منابعی برای رسیدن به اهدافشان هستند که می‌توانند از آن‌ها در روابط خانوادگی نیز استفاده کنند. براساس رهیافت تئوریک بوردیو و پاتنام سرمایه اجتماعی با ایجاد و گسترش پیوندهای اجتماعی و شبکه‌های روابط اجتماعی باعث تقویت مشارکت میان افراد و خانواده‌ها می‌شود. به عبارت دیگر افزایش تعاملات و پیوندهای اجتماعی و گسترش شبکه‌های روابط اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر مشارکت و عضویت هرچه بیش‌تر افراد و خانواده در فعالیت‌های اجتماعی، پشتوانه‌های حمایتی در جامعه را موجب می‌شود و این پشتوانه‌های حمایتی عاملی مؤثر در جهت ارتقای جایگاه زنان در خانواده و جامعه تلقی می‌شوند.

طی بررسی‌های به عمل آمده می‌توان، بی‌عدالتی جنسیتی را از مهم‌ترین مشکلات و مسائل موجود در جامعه دانست، که توسعه اجتماعی و نظم جامعه را تهدید می‌کند. بخشی از این تحقیق، سرمایه‌های اجتماعی زنان را بررسی می‌کند، یافته‌های تحقیق نشان داد که زنان گروه هدف، سرمایه اجتماعی چندانی ندارند. به عبارتی هنوز هم در بسیاری از لایه‌های اجتماعی جامعه ما، نظیر جامعه آماری تحقیق حاضر، نگرش سنتی و تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و جایگاه آن‌ها وجود دارد و موانع بسیاری در راه محقق شدن شرایط رشد و شکوفایی

قابلیت‌ها و استعدادهای آن وجود دارد، اما با وجود همه این‌ها می‌توان گفت که زنان در حال رسیدن به یک آگاهی لازم و درک موقعیت فروتر از خود هستند. آگاهی‌های زنان نسل جدید از وضعیت خود روز به روز در حال افزایش است و سازوکارهای اجتماعی و سیاسی برای بهبود وضع آن‌ها در راه هموارتری است. و از همین رو نسبت به گذشته، زنان بیش‌تر به دنبال کسب جایگاه و تقویت سرمایه‌های اجتماعی هستند.

به نظر می‌رسد که مشکلات جامعه ما بیش‌تر جنبه فرهنگی دارد و خوشبختانه فرهنگ‌ها قابلیت پویایی دارند و با برنامه‌ریزی می‌توان فرهنگ جامعه را متحول کرد، تا شاید در آینده و با تأثیرپذیری بیش‌تر و دوچندان از فرایند جهانی شدن هر چه بیش‌تر به سمت تساوی‌گرایی در روابط خانوادگی نزدیک شوند.

- پیشنهاد می‌شود تا زنان جامعه ما در جهت تقویت سرمایه اجتماعی، پیوندهای عاطفی و غنی‌سازی شبکه ارتباطی را افزایش دهند و از انزوا طلبی دوری کنند.

- پیشنهاد می‌شود تا همزمان با آموزش‌های اداره بهداشت پیش از ازدواج، به زوجها برای افزایش مشارکت در تقسیم کار خانه، نکاتی را آموزش دهند.

- پیشنهاد می‌شود تا در کتاب‌ها و دوره‌های مهارت‌های زندگی و کارگاه‌های آموزشی، چه در مقطع دبیرستان و چه در سطح دانشگاه آموزش‌هایی در خصوص اهمیت مشارکت در خانه و تقسیم کار در منزل آموزش‌های لازم ارائه شود. تا بدین وسیله باورهای سنتی که صرفاً کار منزل مختص زن خانه است، کم رنگ‌تر شود.

- پیشنهاد می‌شود برای کاهش تعارض‌ها، اختلافات و فشارها، زوجین به یادگیری همزمان مهارت‌های زندگی از جمله ابراز وجود، ابراز عواطف و احساسات و مهارت حل مسأله بپردازند تا هم زنان از بار حمایتی مطلوب‌تری بهره‌مند شوند و هم مردان درک و همدلی بیش‌تری نسبت به همسران خود داشته باشند (موسوی زاده و همکاران، ۱۳۹۱).



منابع

قرآن کریم

- آبوت، پاملا و والاس کلر (۱۳۸۴). *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
- اسفندیاری، علی اصغر و پدرام، مهدی و مجدم، صادق (۱۳۹۲). *اقتصاد غیر رسمی، خانه داری زنان و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، شماره ۴، صص ۹۱-۱۱۴.
- بورديو، پیر (۱۳۸۳). *نظریه کنش، دلایل عمل و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی مردیها. چاپ دوم، تهران: نقش و نگار.
- بورديو، پیر (۱۳۸۴). *شکل‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- توکلی، سوده و علی پور، وحید (۱۳۹۱). *تأثیر طبیعت درمانی بر شاخص‌های بهزیستی شاخص‌های بهزیستی*، فصلنامه علمی پژوهشی *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، شماره ۲، صص ۳۳-۵۰.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳). *تحلیلی از اندیشه پیر بورديو، فضای منازعه‌آمیز اجتماعی و نقش جامعه‌شناسی*. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۱-۲۵.
- جاراللهی، عذرا (۱۳۷۵). *اثر اشتغال زنان کارگر بر میزان مشارکت زوجین در امور خانواده*، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۷، صص ۱۵۰-۱۳۵.
- خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۵). *تأثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی*، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۸، صص ۱-۲۳.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰). *روانشناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- شاهدی، سامره و فرجودی، محمد علی (۱۳۸۹). *فصلنامه زن و جامعه*، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۱۳.
- شهشانهی، سهیلا (۱۳۸۰). *چارچوب مفهومی جنسیت*. نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران،

تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

المیزان، ج ۴، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۶۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴) غفاری، غلامرضا و انق، ناز محمد (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ویژه نامه تغییرات و توسعه اجتماعی در جنوب ایران، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۵: صص ۱۹۹-۱۵۹

فیروزآبادی، سید احمد و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی در کلان شهر تهران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۳: صص ۲۲۴-۱۹۷ کلمن، جمیز (۱۳۷۲). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی. کریمی زهرا و جهان تیغ، الهام (۱۳۹۳). عوامل مؤثر اشتغال غیر رسمی زنان جوان در ایران، *فصلنامه مطالعات اجتماعی و روانشناختی*، شماره ۳، دوره ۱۲، صص ۱۴۰-۱۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). *فروع کافی*، مترجم محمدباقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

گرینت، کیت (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی کار*، ترجمه پرویز صالحی، تهران: مازیار. گولومبوک، سوزان. و فی وی ش، رابین. (۱۳۸۴). *رشد جنسیت*، چاپ سوم، ترجمه مهرناز شهرآرای، تهران: ققنوس.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.

محتشمی، بتول (۱۳۷۵). *مجموعه مقالات کنفرانس نقش زن در خانواده در توسعه انسانی*، تهران: دفتر امور زنان ریاست جمهوری، صص ۱۶ و ۱۷ باندک تلخیص.

محلّاتی، ذبیح الله (۱۳۸۳). *ریاحین الشریعه*، در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، جاد پنجم، تهران: نشر دار الکتب اسلامی.

موسوی زاده، آزاده، سهرابی، فرامرز و احدی، حسن (۱۳۹۱) *مقایسه اثربخشی آموزش ابراز وجود و مهارت حل مساله بر میزان رضایت زناشویی زنان دانشگاه علامه طباطبایی*،

مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، شماره ۲، صص ۱۰۸-۸۵

موسوی، میرطاهر و علی پور، پروین (۱۳۹۱). *تأملی بر نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه*



شناسی، تهران: جامعه‌شناسان.

محمدی، اشرف، سرهنگی، فروغ، عبادی، عباس، دانشمندی، محمد، رئیسی‌فر، افسانه و امیری، فاطمه (۱۳۹۰). ارتباط مشکلات روان‌شناختی با کیفیت زندگی کاری پرستاران،

فصلنامه پرستاری مراقبت ویژه، دور چهارم، شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۳۵.

مقدس، علی‌اصغر (۱۳۷۴). منزلت مشاغل در جوامع شهری ایران، مجله علوم اجتماعی و

انسانی، شماره ۲۰: صص ۹۵-۶۵.

منصوریان، محمدکریم و فرحناز قادری (۱۳۷۴). عوامل مؤثر بر ساخت قدرت در خانواده،

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان: صص ۲۹۴-۲۶۹.

سایت مرکزی آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

Beneria, L. (2001): "Shifting the Risk: New Employment Patterns, In formalization and Women's Work", *International Journal of Politics, Culture and Society*, Vol. 15., No.1, pp27-53.

Bezanson, K. (2006). "Gender and the Limits of Social Capital". *The Canadian Review of Sociology and Antropology*. Nov. pp.427-443.

Bourdieu, p.(2001). *Masculine Domination*. Stanford: Stanford University press.

Bates, A. K. Bader, C. D. and Carson Menken, F. (2003). *Familystructure, powercontroltheory and deyanice* [On- line]. Available: <http://wcr.sonoma.edu/v4n3/Man-uscripts/bates.pdf>

Casey, N. [et.al](2002). *Television Studies: The key concepts*; London & New York: Rutledge.

Coltrane, S. (2000): "Research on Household labor: Modeling and Measuring the social Embeddedness of Routine Family Work. " *Journal of Marriage and the family*, Vol.62, pp.1208-1233.

Connell, R. W. (2002). *Gender, USA*, Polity press.

Diefenbach, H (2002): "Gender Ideologies, Relative Resources, and the Division of Housework in Intimate Relationships: A Test of Hyman Rodman's Theory of Resources in Cultural Context." *International Journal of Comparative Sociology*, Vol. 43, Issue 1, pp.45-64.

Gazso-Windle, Amber, & Juli Ann McMullin(2003). "Doing Domestic Labour: Stategizing in Gender Domain." *Canadian Journal of Sociology*. 28(3): 341-366.

Giele, Janet Z., (2005). *Methods of Life Course Research:Qualitative and Qualitative and Approaches*, (Internet). p.6.

Huber, Glenna Sptze(1981). *Write employment, Household Behaviors, and sex Role Attitude*. *Social forces*. 60 ,pp150-160.

Hyde, j. Sh. (2004). *halfe the human experience, the psychology of women*, khamse, akram(translator).press Agah.(Persian).

Karen Healy Liz Ayres & Anne Hampshire (2003). *Social Capital and Quality of Life in Geographically Diverse Communiies*, Melborn.

Lavee, Yoav, & Ruth Katz, (2002). "Division of Labor, Perceived Fairness, and

- Marital Quality: The Effect of Gender Ideology." *Journal of Marriage and the Family* 64(1): 27-39.
- Lin, N.(2001). *Social Capital: Theory of Social Capital and Action*.Cambridge: Cambridge University press.
- Mason, K. O. & Herbert L. Smith, (2003): "Women's Empowerment and Social Context: Results From Five Asian Countries." [Online]. <<http://www.13323-womens-Empowerment-1.pdf>>. [16 oct 2004].
- Putnam, R. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York, NY: Simon and Shuchter
- Quek, K. M., & Knudson – Martin, C. (2008). Reshaping marital power: How dual-career newlywed couples creat equality in Singapore. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25(3), 511.
- Royanian, S. (2003). "Women and Globalization, Iran as a Case Study", <http://women4peace.org/women-globalization.html>.
- See Maret, BarbaraFinlay(1984). The Distribution of Household Labor among Women In Dual- earn Families. *Journal of Marriage and the Family*. 41, pp357-364
- Stone & Huges, J (2004). "Sustaining Communities: An Empirical Investigation of Social Capital in Regional Australia" Paper Presented to SEGRA 2001 fifth national Conference. 10-12 Septsmbler 2001 Townsville.
- Turner, J. H.(2003). *The Structure of Sociological Theories*. (7.Edition.) Belmnot, CA: Wadsworth Thomson Learning.
- UK Partnership for Global Health(2002): "Globalization: Economics and Women's Health." [Onlin].<<http://www.ukglobalhealth.org>>[16 oct 2004].
- Woolcock, Michael & Deepa Narayan (2000) "Social capital: Implications for Development Theory, Research and Policy". *The World Bank Observer*. Vol,15,NO.2pp.225-49.
- Zipp, John F. Prohaska, Ariane & Bemill, Michell (2006). "Wives, husband, and hidden power in marriag", *Journal of Family Issues*, Beverly Hills, Vol. 25, N. 7, Pg. 933.



نویسندگان

rezvani.mahdie@yahoo.com

مهدیه رضوانی

کارشناس ارشد مطالعات جوانان، پژوهشگر و مدرس دانشگاه پیام نور مشهد

homa009@yahoo.com

هما زنجانی زاده

دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی